



گفت‌وگویی که جهانی شد

و خاتمی فراموش کرده بودند که رئیس‌جمهور ایران در زمان سقوط هواپیمای ایرباس ایران حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بود و نه آقای خاتمی، م. ا. در سخنرانی خود در سازمان ملل متحد کشورهای جهان را به گفت‌وگویی بیشتر فراخواند، اتفاق افتاد. آقای احمدزاده با نوشتن ایمیل به ناخدای وینسنس سعی کرد باب گفت‌وگو را با او بگشاید. وی به هفتصد افسر نیروی دریایی آمریکا نیز نامه نوشت و پیشنهاد کرد چنانچه اعضای نیروی‌های مختلف نظامی بتوانند مستقیماً با یکدیگر گفت‌وگو کنند، چه‌بسا احتمال وقوع جنگ کاهش یابد. وی گفت که بیست و هفت افسر به ایمیل او پاسخ دادند. اصل این نامه در کتاب «داستان‌های شهر جنگی» آمده. کتابی که در آن نامه او به ناخدای ناو وینسنس به زبان فارسی و انگلیسی و به همراه برخی پاسخ‌ها آمده است. او چند جلد «داستان‌های شهر جنگی» به همراه شعرهای دست‌نوشته را به هر یک از اعضای هیأت هدیه کرد. دومین کتاب احمدزاده با عنوان «شطرنج با

جبهه‌ها جنگیده و احمدعلی پاک‌دامن، جانبازی که پدرش را در طول جنگ، و در حمله موشکی ناو آمریکایی به هواپیمای مسافربری ایران از دست داده است.

این دیدار، از طرفی ویژگی تأثرانگیز خاص خود را داشت، زیرا دو نفر از اعضای هیأت بازدید نیز از کهنه‌سربازان بودند: تام پالومبو از شهر نورفولک ایالت ویرجینیا، عضو مبارزان صلح و جف میلارد از واشنگتن دی سی، عضو کهنه‌سربازان جنگ عراق، علیه جنگ و از مبارزان صلح.

حمله موشکی به هواپیمای ایرباس ایرانی بلافاصله بعد از آن که خاتمی، رئیس‌جمهور وقت، آبه نظر می‌آید اعضای هیأت صلح به علت تشابه تلفظ دو نام خامنه‌ای

و متن زیر گزارشی است که آقای فیل ویلاتو در همان روز از اصفهان به ویرجینیا ارسال کرد و در سایت آنان قرار گرفت:

پنجشنبه ۲۶ جولای ۲۰۰۷
سلام دوستان، تأخیر چند روزه ما را در ارائه آخرین گزارش بپذیرید، چون دسترسی به کافی‌نت و تلفن کارتی در مسیر جاده‌ها بسیار مشکل بود. دیروز در اصفهان بودیم، شهری که به واقع زیباترین شهر جهان است. یکونیم میلیون درخت برای یکونیم میلیون نفر، رودخانه دل‌انگیزی که از مرکز شهر و از زیر پل‌های بسیار دیدنی آن می‌گذرد، پارک‌های وسیع و میدان بی‌نهایت زیبای امام، دومین میدان بزرگ در دنیا.

شاید بتوان گفت مهم‌ترین دیدار ما - تا امروز - با سه رزمنده دوران جنگ ایران - عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) در این شهر صورت گرفت. در لابی هتل با آن‌ها ملاقات کردیم. آنان عبارت بودند از حبیب احمدزاده افسر سابق نیروی دریایی، که در تمام جنگ حضور داشته است، محمدرضا شرف‌الدین که چهار سال در

روایت شما از جنگ و جنایات جنگی تاثر عظیمی بر من گذاشت. من عشق تمام کهنه‌سربازان فعال برای صلح هستم و حتی پیش از این که به ایران بیایم، حرف‌های شما را در آمریکا یاد کرده‌ام. در آمریکا و در چین سخنانی بوش برای سربازان قیدی جنگ بر خاتمی و اعتراض کردم و همین برپایه‌ت شما را از کنفرانس ارجاع کنه.



دولت آمریکا آن حادثه (سقوط ایرباس) را يك تصادف تلقی کرد و به خانواده‌های سیصد کشته‌شده آن هواپیما مبلغی به عنوان غرامت پرداخت کرد، اما بعد از این حادثه، جورج هربرت واکر بوش، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، به ناخدای ناو وینسنس هفت مدال «شجاعت» اعطا کرد.

ماشین قیامت» به‌زودی به انگلیسی در آمریکا منتشر می‌شود. احمدزاده گفت: که قصد دارد این کتاب را به هیأت صلح مردمی در ایران اهدا کند.

محمدرضا شرف‌الدین در زمان جنگ که مصادف با دوران تحصیل او در دانشگاه بود، فیلم‌سازی را آغاز کرد. وی در حین تحصیل، از جبهه و جنگ نیز غافل نمی‌شد و در مواقعی که عملیات‌های مهمی در پیش بود به جبهه‌ها می‌شتافت. او اکنون مشغول تهیه فیلمی از تلاش‌های احمدزاده در گرفتن پاسخ از ناخدای ناو وینسنس است. با آن‌که تلفات جانی هر دو طرف جنگ بالغ بر ۵۰۰۰۰ نفر می‌شود، اما منطقه درگیری‌ها و نبردها داخل خاک ایران بود و این بدان معناست که خسارت‌های جبران‌ناپذیری به شهرهای کوچک و بزرگ ایران وارد آمد.

آقای پاک‌دامن نیز در زمان آغاز جنگ، مشغول به تحصیل در دانشگاه بود. زادگاه او، آبادان، بیش از یک سال در محاصره قرار داشت. با وجودی که او یک چشمش را از دست داد اما از پای ننشست.

وی همچنین از مجروحان حملات شیمیایی عراق است. بعدها دست راستش را از دست داد که همین موضوع موجب اسارت او شد. سرانجام بعد از سی ماه اسارت در عراق، در میادله اسرا آزاد شد. پدرش برای دیدار او از دوی به ایران آمد و در راه برگشت به دوی، سوار هواپیمای ایرباسی شد که مورد حمله آمریکایی‌ها قرار گرفت و به همراه سایر سرنشینان آن کشته شد. آقای پاکدامن، که یک چشم و یک دستش را از دست داده بود، مجدداً داوطلب نبرد در جبهه‌ها شد. دولت آمریکا آن حادثه را یک تصادف تلقی کرد و به خانواده‌های سیصد کشته‌شده آن هواپیما مبلغی به‌عنوان غرامت پرداخت کرد، اما بعد از این حادثه، جورج هربرت واکر بوش، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، به ناخدای ناو وینسنس هفت مدال «شجاعت» اعطا کرد.

متن نامه ارسالی به پریزیدنت احمدی نژاد در تاریخ ۱۱ جولای ۲۰۰۷ توسط فیل ویلیامو سردبیر روزنامه ریچموند دیفنדר

هیأت صلح مردمی به ایران مدافعان آزادی، عدالت و برابری ۱۱ جولای ۲۰۰۷

جناب آقای محمود احمدی نژاد رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران، آقای رئیس‌جمهور!

با عرض سلام و احترام، نامه‌ام را با آرزوی سلامتی و نشاط کامل روحی و جسمی برای شما آغاز می‌کنم. تا چند روز دیگر، گروهی متشکل از ۶ فعال ضد جنگ را برای انجام سفر یازده‌روزه‌ای به کشور شما خواهم آورد. سفر این گروه که با عنوان «هیأت صلح مردمی» صورت می‌گیرد، بدین امید و با این هدف ترتیب داده شده که بتواند مانع حمله دولت آمریکا به ایران و تحمیل جنگ جدیدی به مردم شما باشد.

آقای رئیس‌جمهور!

با نوشتن این یادداشت از شما تقاضا می‌کنم در صورتی که مقدور است فرصتی را اختصاص دهید تا هیأت ما با شما ملاقاتی داشته باشد.

سفر هیأت صلح مردمی به ایران با حمایت شبکه ضد جنگ ویرجینیایا- ائتلافی مرکب از ۲۲ تشکل عدالت‌خواه و صلح‌طلب محلی در ایالت ویرجینیای آمریکا- و روزنامه ریچموند دیفنדר، که در خدمت مردم فقیر و قشر کارگر این ایالت است، صورت گرفت. برای آشنایی با ما می‌توانید به وب سایت www.vawno.org و www.DefendersFJE.org مراجعه فرمایید.

با گشت و گذار در ایران و کسب اطلاعات بی‌واسطه از واقعیت‌های مردم و فرهنگ کشور شما امیدواریم در بازگشت به کشورمان بتوانیم برای هموطنان خود این قضیه را به‌خوبی تبیین کنیم که آن‌چه رسانه‌های خبری و دولت آمریکا درباره ایران، مردم و دولتش می‌گویند، دروغ محض است. همان‌طور که درباره دلایل تهاجم به عراق به مردم آمریکا دروغ گفتند، بار دیگر درخصوص دلایل تشدید تنش میان کشور‌های ما نیز دروغ می‌گویند.

احمدزاده می‌گفت: «ما همه از این عمل متعجب شدیم. این درست مثل آن است که به اسامه بن‌لادن برای حمله به مرکز تجارت جهانی، مدال داده شود.» تا این تاریخ، ناخدای ناو وینسنس به نامه احمدزاده پاسخی نداده است.

راهنمای تور ما، بیانیه هیأت را که شب پیش برای این دیدار آماده کرده بود به فارسی ترجمه کرد که بدین شرح است:

«هدف هیأت صلح مردمی به ایران، تلاش برای جلوگیری از جنگ میان آمریکا و ایران به هر نحو ممکن است. حوادث وحشتناکی در جنگ اتفاق می‌افتد که یک نمونه‌اش حمله موشکی نیروهای آمریکایی به هواپیمای ایرباس ایرانی است. ما بلیم همدردی عمیق خود را با خانواده‌های شهیدای آن حادثه اسفناک اعلام داریم و متعهد می‌شویم پس از بازگشت به کشورمان، فضایی را به‌وجود بیاوریم که دیگر چنین حوادث تلخ و غم‌انگیزی اتفاق نیفتد.»

دیدار ما با رد و بدل کردن آدرس ایمیل، مصافحه و گرفتن یک عکس دسته‌جمعی از پنج کهنه‌سرباز ایرانی و آمریکایی خاتمه یافت. ■

متن ارسالی فوق نشان می‌داد که نظرات دو گروه در این باره و مسائل انسانی مطرح‌شده در جلسه به‌شدت هماهنگ است.

ولی من به علت دیگری در جلسه شرکت کرده بودم. ادامه بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها بین نظامیان جهان و رساندن نامه به کاپیتان ویل راجرز که آقای فیل ویلیامو در این مورد قول همکاری در آمریکا را به من داد.

آنان روز بعد به تهران رفته و با آقای مشاعی، رئیس سازمان میراث فرهنگی و معاون رئیس‌جمهور ملاقات کردند و متن نامه‌ای خطاب به آقای احمدی نژاد را بدو سپردند.

آقای رئیس جمهور!

شما ۲۹ نوامبر گذشته «نامه سرگشاده‌ای به مردم آمریکا» نوشتید که در آن از تمایل و اشتیاق خود و مردم ایران به صلح و دوستی میان دو کشور سخن گفتید. این نامه در آمریکا به خوبی بازتاب نیافت، اما در روزنامه نیویورک تایمز از آن یاد شد و شبکه خبری CNN نیز آن را به طور کامل پخش کرد.

من نامه شما را خواندم و بسیار تحت تاثیر مطالب آن قرار گرفتم. همین امر علت سفر ما به ایران است.

تقریباً همه مردم جهان خواهان صلح هستند، می‌گویم «تقریباً» زیرا برای همه دنیا بدیهی است که عده‌ای در واشنگتن دی.سی، وال استریت و پنتاگون به جای آن که خواهان صلح باشند، تشنه قدرت، سلطه و استیلا برای استثمار جهان هستند.

اما بیشتر مردم دنیا به‌ویژه آن‌هایی که جنگ را دیده و حس کرده‌اند صادقانه و با تمام وجود علاقه‌مند صلح هستند.

با این وجود، همان‌طور که جنابعالی در نامه خود به روشنی بیان کردید، دوام و پایداری صلح مشروط به ایتنای آن بر عدالت است، در غیر این صورت صلحی عاری از خوشبختی و شادمانی که همان آرامش تلخ قبرستان است، حاصل خواهد شد.

ما همچنین معتقدیم صلح واقعی در خاورمیانه باید ابتدا بر اساس عدالت برای مردم فلسطین باشد. پیشنهاد شما این است که اجازه دهند همه فلسطینی‌ها به سرزمین‌های آبا و اجدادی‌شان بازگردند و رفاندومی برای تعیین آینده آن سرزمین برقرار شود. پیشنهاد معقولی است که منازعات کنونی از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز و دموکراتیک حل شود. اما متأسفانه این پیشنهاد در رسانه‌های خبری آمریکا بازتاب نیافت و در آن زمینه تبلیغی نشد.

آقای رئیس جمهور!

هر شش نفر عضو هیأت ما جزء مخالفان فعال تهاجم آمریکا و اشغال عراق هستند ما بارها تظاهرات و اعتراض کردیم و بازداشت هم شدیم. اما تنها نیستیم. طبق آخرین نظرسنجی‌ها، حدود ۷۰ درصد از مردم آمریکا خواهان خروج آمریکا از عراق هستند. اگر آمریکا دموکراسی واقعی برخوردار بود دولت به خواسته مردم گوش می‌داد. اما در این جاماز دموکراسی واقعی، «دولتی برخاسته از دل مردم، منتخب مردم و خدمتگزار مردم» محور هستیم. در عوض دارای دولتی برخاسته از میان مرفهان، منتخب شرکتها و سرمایه‌داران و در خدمت استثمارگران هستیم.

این کلمات برای کسانی که درد و رنج را شناخته‌اند، لفاظی به نظر می‌رسد. اما برای بازماندگان حادثه طوفان کاترینا در نیواورلئان و قربانیان تغافل عامدانه و

غیرانسانی مسئولان که به وخامت آن مصیبت منجر شد، برای ده‌ها هزار سرباز آمریکایی در عراق که در جنگی ناعادلانه دچار آسیب‌های جسمی و روحی شده‌اند، برای میلیون‌ها نفر که هر روز تازینه‌های نژادپرستی و ظلم بر کرده‌هایشان می‌نشینند، برای فقرا و کارگرانی که به خاطر سیر کردن شکم خانواده و کودکانشان جان می‌کنند، این کلمات صدای واقعیت را به گوش می‌رساند. از دید ما آینده‌ای در پس جنگ‌های جدید وجود ندارد. جنگ ما این‌جاست تلاش برای ایجاد «عدالت».

اکنون با تشدید روزافزون اعراب و تهدیدها علیه جمهوری اسلامی ایران - که جنگ ناعادلانه تجاوز کارانه‌ای با نام ما و باریخته شدن خون پسران و دخترانمان و با مالیات‌های ما در خواهد گرفت - بر خود واجب می‌دانیم بیش از گذشته تلاش کنیم.

از این رو به ایران می‌آییم. هیأت ما روز جمعه ۱۹ جولای به تهران خواهد رسید و روز دوشنبه ۳۰ جولای تهران را ترک خواهد کرد.

ما از طریق آژانس تور ایران دوستان به چند شهر سفر خواهیم کرد. در حال حاضر برنامه ما این است که ۱۹ و ۲۷، ۲۸ و ۲۹ جولای در تهران باشیم.

آقای رئیس جمهور!

تقاضای دیدار ما با شما به این علت نیست که خود را هیأت مهمی تصور می‌کنیم. کاش هیأت مهمی بودیم، آن وقت دیدارمان تاثیر بیشتری می‌گذاشت. اما قصدمان این است که به کشور بازگشته و علیه محافلی که می‌کوشند مردم و دولت ایران را دشمن مردم آمریکا معرفی کنند، فعالیت کنیم. دیلر و تپالدر نظر با شما به ما کمک می‌کند تا به مردم آمریکا بگوییم که جمهوری اسلامی ایران، دولت و مردم آن تهدیدی برای صلح جهان محسوب نمی‌شوند. بلکه تهدید در همین نزدیکی‌ها و در کشور خودمان، آمریکا، سایه‌به‌سایه تعقیبمان می‌کند.

از این که وقت شما را گرفتم عذر می‌خواهم. می‌دانیم رئیس‌جمهور یک کشور مشغله‌های فراوانی دارد، مخصوصاً مسئول کشوری که از سوی سردمدار متجاوزان دنیا مورد تهدید قرار گرفته است.

البته اگر چنین دیداری دست نداد، برای ما کاملاً قابل درک است.

برای شما در دفاع از ایران در برابر حملات نظامی، اقتصادی، سیاسی و یا فرهنگی آرزوی موفقیت می‌کنیم به امید آزادی، عدالت و برابری

فیل ویلیامو

هماهنگ‌کننده سفر هیأت صلح مردمی به ایران

سردبیر روزنامه ریچموند دیفندر

عضو بنیانگذار شبکه ضد جنگ ویرجینیا ■

تقریباً همه مردم جهان خواهان صلح هستند، می‌گویم «تقریباً» زیرا برای همه دنیا بدیهی است که عده‌ای در واشنگتن دی.سی، وال استریت و پنتاگون به جای آن که خواهان صلح باشند، تشنه قدرت، سلطه و استیلا برای استثمار جهان هستند.

این گروه همان شب با پرواز از ایران خارج شد و به آمریکا بازگشت. گزارش‌های بعدی درباره اقدامات آنان و مشاهداتشان در ایران و انتقال آن به دیگران است.

دوشنبه ۳۰ جولای ۲۰۰۷

بعد از سفری بیست و چهار ساعته از تهران، اعضای هیأت ۵ نفره وارد فرودگاه بین‌المللی دالاس در واشنگتن دی.سی شدند. در آنجا جمعیت مشتاقی که پرچم زیبایی در دست داشتند، به استقبال آمده بودند. آنان با تلاش CASMII-US در فرودگاه اجتماع کرده بودند. صبح روز بعد، کنفرانسی مطبوعاتی در رستوران معروف Busboy & Poets در واشنگتن دی.سی برگزار شد. از جمله کسانی که در این کنفرانس شرکت کرده بودند، شینجی یاماساکی، گزارشگر روزنامه ژاپنی Akahata در واشنگتن - با تیتراژ دو میلیون نسخه - حضور داشت. به‌رغم تلاش فراوان تیم پشتیبانی هیأت آمریکایی به سرپرستی آنا ادوارد و آن ویلیامز، هیچ‌یک از رسانه‌های مهم آمریکایی در این کنفرانس شرکت نکرد.

(به هر حال باید از دنیوید سوانسون به خاطر انتشار گزارش خود از این کنفرانس مطبوعاتی تشکر کنیم که در حال حاضر به طور وسیع در سایت‌های اینترنتی قابل دستیابی است.) ■

به طوری که مشاهده می‌شود برخورد اولیه با گروه بسیار سرد است و حتی یکی از سایت‌های صهیونیستی به شدت آنان را به ناسزا می‌گیرد.

اگر آمریکا از دموکراسی واقعی برخوردار بود دولت به خواسته مردم گوش می‌داد. اما در این‌جا ما از دموکراسی واقعی، «دولتی برخاسته از دل مردم، منتخب مردم و خدمتگزار مردم» محروم هستیم.

✪ احمق‌های زیر نفوذ ایران: شبکه ضد جنگ ویرجینیا

چهارشنبه ۱ آگوست ۲۰۰۷

این هم نمونه‌ای از چپ‌های افراطی و اعضای شبکه ضد جنگ ویرجینیا که صراحتاً کمونیست هستند و به‌نازگی از سفر به جمهوری اسلامی - نازیستی ایران بازگشته‌اند. امثال هواداران حزب کمونیست آمریکا - که حامی و دوستدار ائتلاف After Downing Street هستند - در حمایت و جانبداری افراطی از رهبران آدم‌کشی همچون محمود «ایوانا جهاد» احمدی‌نژاد، Mahmoud Iwannahjihad سنگ تمام گذاشتند. او و پیروانش نیز با روی گشاده از گروه صلح استقبال کردند.

اکنون حرکت مذکور به طور قطع دخالت محافظان و دولت‌های کمونیستی را در استفاده از این گروه‌های صلح به عنوان گروه‌های خط مقدم بر ملا می‌سازد. جای تعجب ندارد که یک آلت دست شوروی سابق (موسوم به «مبارزه بین‌المللی با تهاجم به عراق» راه‌پیمایی‌های اعتراض‌آمیزی را پیش از آغاز تهاجم به این کشور، در سراسر جهان به راه انداختند. شک ندارم امثال شبکه ضد جنگ ویرجینیا که در این راه‌پیمایی‌ها شرکت داشت، با رژیم ایران روابط نزدیکی دارد.

دانستن این موضوع که شورای روابط خارجی حاکم بر دولت جورج دبلیو بوش هنوز قصد دارد به ایران اجازه گفت‌وگو پیرامون امنیت عراق را بدهد، یقیناً موجب عصبانیت همه خواهد شد. این در حالی است که ایران نه تنها به گروه‌های تروریست کمک می‌کند، بلکه گروه‌های خط مقدم کمونیستی در خارج از کشور را نیز تحت حمایت خود گرفته است. ■

<http://againstcommies/cfi-file-irans-useful-idiots-virginia.html>009.blogspot.com/2007/08

